

دو کوهه پیشرفت

«جزوه امت‌های پیشران؛ روایت زنان پیشرو»



«امت‌های پیشران؛ روایت زنان پیشرو»

براساس مجموعه گفت‌وگوها و مقالات پیرامون روایت‌های متقابل در حوزه زنان و روایت انقلاب اسلامی

تهیه و تنظیم: مرکز گفت‌مان‌سازی گام دوم؛ دوکوهه پیشرفت

آبان‌ماه ۱۴۰۱

۱. مقدمه

ظهور و بروز هر جریانی در یک جامعه، مستلزم وجود پیشرانانی است که در پیشانی آن حرکت و جلوتر از آن پیش می‌روند. اگر پیشرفت و ایجاد امید در کشور را به نحوی مورد ملاحظه قرار دهیم که برای تحقق آن عده‌ای باید در میدان‌ها گوناگون بار آن را به دوش بکشند و عناصر اصلی ایجاد این امید باشند، باید به این مسئله اندیشید که چگونه از میان مردم یک جامعه، عده‌ای باید نقش پیشتازی را ایفا کنند و پرچم این حرکت را بالا برده و پیش ببرند؛ کسانی که هم خودشان امیدوار هستند و در مسیر پیشرفت قدم گذاشته‌اند و هم می‌توانند به دیگران را به این میدان دعوت کرده و گرمای امید را در جامعه وسعت بخشند. زنان ایرانی در طول چهار دهه گذشته توانسته‌اند با ارائه روایت نوینی و متفاوت از روایت شرقی و غربی از زن، چشم‌انداز جدیدی از نقش‌آفرینی مؤثر و مؤمنانه را به جامعه جهانی ارائه کنند و زنان و دختران را به عنصر پیشران جامعه تبدیل کردند.^۱ چنان‌که در منطق انقلاب اسلامی و مبتنی بر اندیشه مقام معظم رهبری، زن، در تعریف شرقی، عنصری در حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی معرفی می‌شد و در تعریف غربی، موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است. شیرزنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم زن، «زن نه شرقی، نه غربی» است. زن مسلمان ایرانی تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، عفیف محجبه و شریف بود و در عین حال، در متن و مرکز بود. می‌توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز سنگرسازی‌های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد. چنان‌که امام خمینی علیه السلام نیز پیرامون نقش زنان و پیشوایی آن‌ها در انقلاب اسلامی و سایر نهضت‌های رخ داده در تاریخ معاصر و نه‌چندان دور ایران بیان داشتند:

«شما خواهران در این نهضت نقش بسزایی داشتید؛ و در همه‌جا کمک کردید و پیشوا بودید نسبت به مردها؛ و موجب قدرت شدید نسبت به آن‌ها.^۲ نقش زن‌ها در جامعه، در چند نهضت که در ایران واقع شد؛ نهضت تنباکو، نهضت مشروطه، قضیه پانزدهم خرداد، نقش زن‌ها بالاتر از مردها اگر نبود، کم‌تر نبود»^۳.

^۱ پیام به کنگره‌ی «هفت هزار زن شهید کشور» ۱۳۹۱/۱۲/۱۶.

^۲ صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۲۶۷.

^۳ صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۰۳.

۲. کدام روایت از الگوی زنان؛ حضرت زهرا علیها السلام

پیرامون حضرت زهرا علیها السلام و ابعاد مختلف زندگی او و نقش آفرینی ایشان روایت‌های متعددی ارائه شده است. لکن روایت غالب پیرامون ایشان ناظر است به احادیث کمی پیرامون ابعاد زندگی شخصی ایشان و نقش‌های همسری و مادری و نهایتاً نوحه‌سرایی‌های ایشان پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است. اما در پس این روایت‌ها، روایت‌های دیگری وجود دارند که کم‌تر به چشم آمده‌اند و به گوش شنیده شدند و پیرامون آن‌ها ادبیاتی شکل نگرفته است. در صورتی که یکی از خلأهای امروز ما پیرامون نهضت زنان پیشرو، عدم روایت صحیح و کامل از شخصیت فاطمه زهرا علیها السلام است.

۱-۲. روایت رهبری از جهاد حضرت زهرا علیها السلام

مهم‌ترین نکته به تعبیر مقام معظم رهبری در فهم شخصیت حضرت زهرا علیها السلام شکوه و عظمت جهاد حضرت زهرا علیها السلام است:

«از عبادت فاطمه زهرا علیها السلام سخن‌ها گفته شده و می‌دانیم، از وفاداری به شوهرش، از خانه‌داری‌اش، از فرزندداری‌اش، از احساس مسئولیتش در مقابل فرزندان، از دانشش، از آگاهی‌اش، از محبت رسول‌الله صلی الله علیه و آله به او، از ازدواج ساده و بی‌آلایشش، از جهیزیه کمش، از پشت‌پا زدنش به یک خصلت اصلی در وجود زن یعنی تجمل‌طلبی و زیورخواهی، این زهد عجیبش، از این‌ها چیزهایی شنیده‌اید. یک بُعد دیگر در زندگی فاطمه زهرا علیها السلام هست که اگر ما همه آن ابعاد دیگر را فراموش کنیم، این بُعد خود نمایشگر شخصیتی بس عظیم و بسیار باشکوه و فوق‌العاده با عظمت است و آن جهاد فاطمه زهرا علیها السلام است، جهاد. همین قدر فقط اطلاع داریم که این زن جوان نه سال دوران ازدواجش طول کشیده و تمام این نه سال شوهر جوان و محبوبش در میدان‌های جنگ بوده. تا آن‌جا که شمشیر است و میدان است و مرکب، تا آن‌جا که مرد است و مرگ است و خون است و آتش، علی علیه السلام پیش‌قراول و پیش‌آهنگ است. این زن جوان یک‌بار به شوهرش نگفت بابا خسته شدیم، یک‌بار نگفت بس است، یک‌بار نگفت من هم دل دارم، یک‌بار خم به ابرو نیاورد، یک‌بار رو ترش نکرد و من می‌گویم گرمی سخن و گرمی پذیرش زهرا موجب آن بوده است که امیرالمؤمنین گرم‌تر و مصمم‌تر بشود و جهاد علی علیه السلام تکمیل شد به جهاد زهرا علیها السلام. این مال زمان حیات پیغمبر. اما بعد از رحلت پیغمبر، [یک] زن جانش را فدا می‌کند برای این که حکومت به نااهل نرسد. اگر فاطمه زهرا علیها السلام، زن امیرالمؤمنین علیه السلام هم نبود قضیه همین بود. از شوهرش دفاع نمی‌کرد از زمامدار به حق دفاع می‌کرد. نمی‌گوید من حالا باردارم، بمانم چند روز دیگر آتششان فروکش کند، نه. لطفش در این همین است که در شدیدترین موقعیت‌ها، بزرگ‌ترین وظیفه‌ها انجام بگیرد و شدیدترین لطمه‌ها بر جسم و جان وارد بیاید. این زن نه فریب می‌خورد، نه تبلی می‌کند، نه

حاضر است به هیچ قیمتی رضایت بدهد. این است که زدند ... وقتی که به هوش آمد نگفت مریضم. [باز] عصا، یا شخصی را عصا کردن، به مسجد رفتن، به گریه بسنده نکردن ... بریده باد زبانی که شأن زهرا علیها السلام را از خطبه خوانی به نوحه سرایی تبدیل می‌کند. اگر خطبه زهرا علیها السلام را نگفتید، گریه زهرا هم معنی پیدا نمی‌کند. اگر نفهمیدیم که زهرا علیها السلام آن‌جا چگونه سخن گفته است، نمی‌فهمیم که گریه او به چه معناست. باز به همین هم اکتفا نمی‌کند. به گفته‌ای چهل شب، مرتب در خانه این مرد، در خانه‌ی آن آدم معروف، در خانه آن چهره سرشناس می‌رود... و که؟ آن زنی که به آن صورت سقط جنین کرده، آن زنی که ضربت دیده، آن زنی که آسیب خورده. این کارها همه یکسره یک مبارزه ممتد است، مبارزه‌ای از چند نوع با چند جلوه، مبارزه مثبت، مبارزه با جسم، مبارزه با زبان، مبارزه با تلاش‌های پنهانی و نیمه شبانه، مبارزه با سخن گفتن با زنان. مصاحبه فاطمه زهرا با زنان انصار عجیب است. پر از مطالب اجتماعی، سرشار. [و] آخرش هم مبارزه منفی، در شب دفن شدن...»^۱.

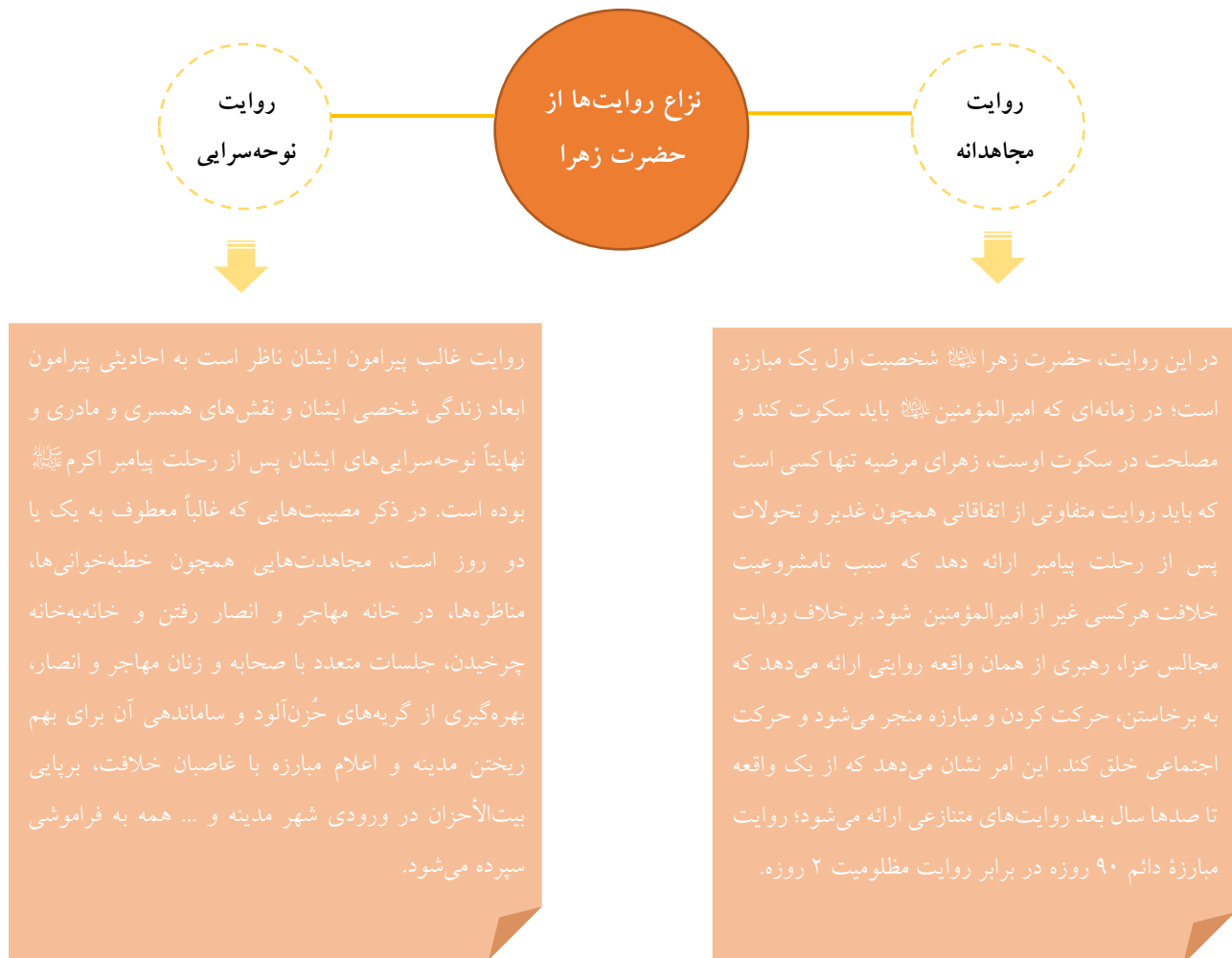
۲-۲. نزاع روایت‌ها حول شخصیت حضرت زهرا علیها السلام

در بیانات، از حضرت زهرا علیها السلام در وقایع پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت متفاوتی از روایت غالب بیان می‌شود؛ زمانی که صحابه و امت دچار فتنه شده و در این فتنه رو به کفر گراییده‌اند، دختر پیامبر به تنهایی در برابر این جریان بزرگ انحراف امت، ایستادگی می‌کند و مبارزه عظیمی را رقم می‌زند که تا اکنون ادامه دارد. روایت غالب که امروزه بسیاری از سخنرانان و مادحین در محافل و مجالس عزاداری برای اهل بیت ذکر می‌کنند، بیش‌تر رنگ‌وبوی نوحه‌سرایی و صرف عزاداری دارد که در آن دختر پیامبر که برای جهان اسلام قابل احترام بوده است، مورد آزار و اذیت قرار داده و مظلومانه او را به شهادت رسانده‌اند. برخلاف روایت مجالس عزا، رهبری از همان واقعه روایتی ارائه می‌دهد که می‌تواند به برخاستن، حرکت کردن و مبارزه زنان منجر می‌شود و حرکت اجتماعی خلق کند. این امر نشان می‌دهد که از یک واقعه تا صدها سال بعد روایت‌های متنازعی ارائه می‌شود؛ روایت مبارزه دائم ۹۰ روزه در برابر روایت مظلومیت ۲ روزه. در ذکر مصیبت‌هایی که غالباً معطوف به یک یا دو روز است، مجاهدت‌هایی همچون خطبه‌خوانی‌ها، مناظره‌ها، در خانه مهاجر و انصار رفتن و خانه‌به‌خانه چرخیدن، جلسات متعدد با صحابه و زنان مهاجر و انصار، بهره‌گیری از گریه‌های حزن‌آلود و ساماندهی آن برای بهم ریختن مدینه و اعلام مبارزه با غاصبان خلافت، برپایی بیت‌الأحزان در ورودی شهر مدینه و ... همه به فراموشی سپرده می‌شود. در این روایت، حضرت زهرا علیها السلام شخصیت اول یک مبارزه است؛ در زمانه‌ای که

^۱ این سخنرانی که در سال‌های اول دهه پنجاه شمسی ایراد شده، از آرشیه‌های مردمی پروژه تاریخ شفاهی متعلق به دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی به دست آمده است.

امیرالمؤمنین علیه السلام باید سکوت کند و مصلحت در سکوت اوست، زهرای مرضیه علیها السلام تنها کسی است که باید روایت متفاوتی از اتفاقاتی همچون غدیر و تحولات پس از رحلت پیامبر ارائه دهد که سبب نامشروعیت خلافت هرکسی غیر از امیرالمؤمنین علیه السلام شود.

شکل شماره ۱- نزاع روایت‌ها از شخصیت حضرت زهرا علیها السلام



روایت غالب پیرامون ایشان ناظر است به احادیثی پیرامون ابعاد زندگی شخصی ایشان و نقش‌های همسری و مادری و نهایتاً نوحه سرایی‌های ایشان پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است. در ذکر مصیبت‌هایی که غالباً معطوف به یک یا دو روز است، مجاهدت‌هایی همچون خطبه خوانی‌ها، مناظره‌ها، در خانه مهاجر و انصار رفتن و خانه‌به‌خانه چرخیدن، جلسات متعدد با صحابه و زنان مهاجر و انصار، بهره‌گیری از گریه‌های حزن‌آلود و ساماندهی آن برای بهم ریختن مدینه و اعلام مبارزه با غاصبان خلافت، برپایی بیت‌الاحزان در ورودی شهر مدینه و ... همه به فراموشی سپرده می‌شود.

در این روایت، حضرت زهرا علیها السلام شخصیت اول یک مبارزه است؛ در زمانه‌ای که امیرالمؤمنین علیه السلام باید سکوت کند و مصلحت در سکوت اوست، زهرای مرضیه تنها کسی است که باید روایت متفاوتی از اتفاقاتی همچون غدیر و تحولات پس از رحلت پیامبر ارائه دهد که سبب نامشروعیت خلافت هرکسی غیر از امیرالمؤمنین شود. برخلاف روایت مجالس عزا، رهبری از همان واقعه روایتی ارائه می‌دهد که به برخاستن، حرکت کردن و مبارزه منجر می‌شود و حرکت اجتماعی خلق کند. این امر نشان می‌دهد که از یک واقعه تا صدها سال بعد روایت‌های متنازعی ارائه می‌شود؛ روایت مبارزه دائم ۹۰ روزه در برابر روایت مظلومیت ۲ روزه.

۳-۲. ضرورت روایت برای مبارزه با ظلم

همچون این واقعه، نزاع روایت‌ها امروزه در فهم واقعه کربلا نیز اثرگذار است؛ روایت صرفاً حزن‌آلود از کربلا در برابر روایت حماسه و مرثیه از این واقعه؛ آن روایتی از این واقعه به حرکت اجتماعی می‌انجامد که هر دو ساحت را در برگیرد. ممکن است در روایت نوحه سرایی، علی‌رغم ذکر مصیبت و اشک‌هایی که مردم برای

آن می‌ریزند اما چه بسا که دشمنان اسلام از آن استقبال کرده و با آن همراهی کنند؛ به نحوی که از ضد ظلم‌ترین واقعه تاریخ، روایتی ارائه می‌شود که خودش تبدیل به بخشی از روند ظلم می‌شود. چراکه، اجازه ایجاد حرکت اجتماعی برای مبارزه با ظلم را نمی‌دهد و جامعه را سرگرم روایتی می‌کند که صرفاً احساس دارد اما از تعقل و شور قیام برای مبارزه با ظلم تهی است، تکلیفی را متوجه کسی نمی‌کند، نسبت به زمانه اکنون منقطع است و منحصر در یک واقعه تاریخی کوتاه است. براین اساس، در ضرورت روایت همین بس که هم می‌تواند حرکت اجتماعی خلق کند، عبرت آفرین است، تبارمند و هویت‌زاست، امتداد دارد، از بطن تاریخ تا به امروز را می‌پوید، در دل‌ها طلب تحول و تغییر ایجاد می‌کند، انسان‌ها را متوجه تکلیفی می‌کند که برای آن باید به پا خیزد و ...

۳. روایت حضور زن انقلابی در زمانه امروز

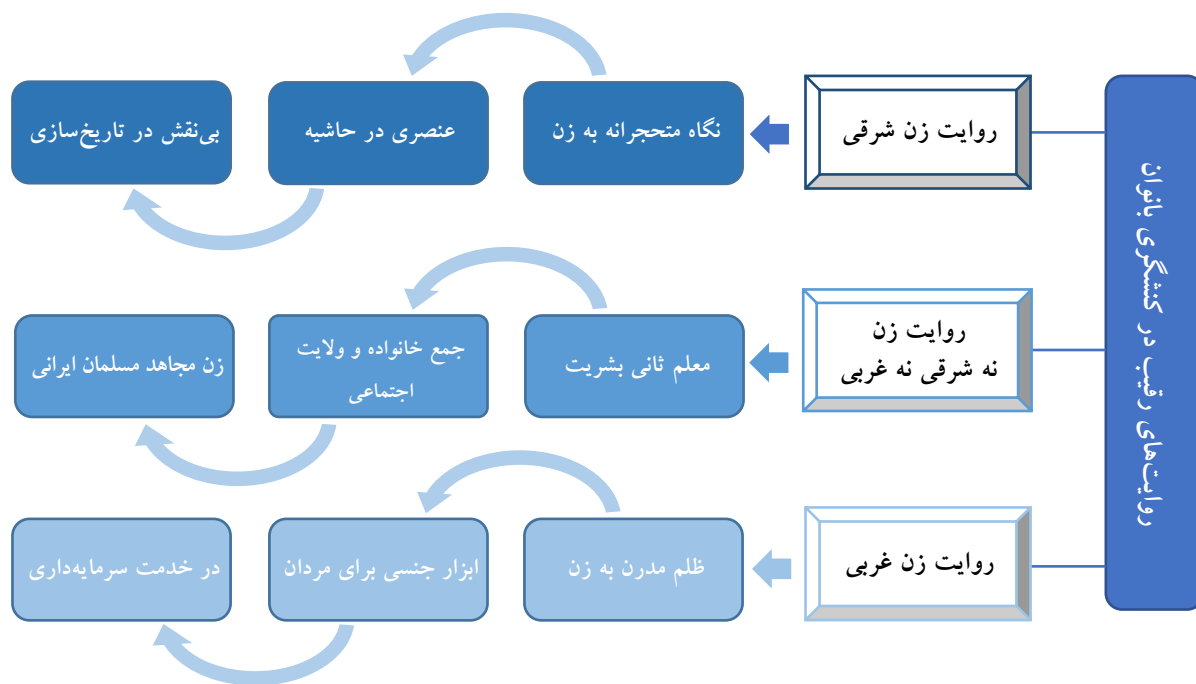
برای اینکه وضعیت روایت زن انقلابی در زمانه امروز و روند چهل و سه ساله انقلاب را بتوان فهم کرد، پیش از آن باید به سؤالات مهمی پرداخت؛ همچون اینکه چرا امروز در حوزه بانوان انقلاب، سازماندهی قدرتمند و قابل‌اعتنایی وجود ندارد؟ چرا جنبش زنان انقلاب اسلامی به معنای آنچه در نقاط مختلف دنیا در دوران معاصر مبدأ بسیاری از تحولات گسترده شده پدید نیامده است؟ چرا از ظرفیت‌های انقلابی بانوان در عرصه‌های اجتماعی غفلت شده است؟ به‌عنوان مثال، امروزه بسیاری از زنان و بانوان که در زمان دانشجویی کنشگر و فعال بودند، پس از دوران دانشجویی از مدار کنشگری در عرصه‌های مختلف اندیشه‌ورزی، شکل‌سازی، تأثیرگذاری اجتماعی و ... خارج می‌شوند و نمی‌توان سراغی از آن‌ها گرفت. مبتنی بر سه گزاره و پرسش طرح شده، ریشه عمده بسیاری از مسائل و گره‌های بازنشده انقلاب اسلامی در موضوعاتی همچون عدالت، پیشرفت، سبک زندگی، خانواده، علم، آسیب‌های اجتماعی، صدور انقلاب و ... را باید در عدم به میدان آمدن زنان جست‌وجو کرد؛ به عبارت دیگر، انقلاب اسلامی امروز دچار بحران به میدان آمدن زنان است و علت به میدان نیامدن زنان انقلابی را باید در غلبه روایت ناصواب از نحوه سبک زندگی و حضور اجتماعی زن مؤمن انقلابی دانست. براین اساس، ضرورت ارائه روایت صحیح از کنشگری اجتماعی زن انقلابی بیش‌ازپیش خود را نشان می‌دهد.

۳-۱. روایت‌های رقیب در کنشگری بانوان

برای فهم اینکه امروز کدام روایت از زن انقلابی را باید ارائه و غلبه داد تا زنان به میدان آمده و در عرصه‌های مختلف اجتماعی شروع به کنشگری کنند، ابتدا باید تصویری از روایت‌های مختلف و رقابت و تنازع آن‌ها در جبهه فکری - فرهنگی انقلاب اسلامی ارائه داد. مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری، امروزه حداقل سه روایت رقیب در این حوزه وجود دارد: الف) زن شرقی؛ ب) زن غربی؛ ج) زن نه شرقی نه غربی.

«زن، در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی؛ و در تعریف غالباً غربی، به‌مثابه موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است، معرفی می‌شد. شیرزنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم، «زن نه شرقی، نه غربی» است. زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان، گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، عقیف بود، محجبه و شریف بود، و درعین‌حال، در متن و مرکز بود. می‌توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز، سنگرسازی‌های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد.»^۱

شکل ۲- روایت‌های رقیب از کنشگری زنان



^۱ پیام به کنگره «هفت هزار زن شهید کشور» ۱۳۹۱/۱۲/۱۶. این پیام از این حیث اهمیت دارد که عصاره اندیشه مقام معظم رهبری پیرامون مسأله زن در این پیام خود را نمایان ساخته است و دارای نکات بسیاری است که می‌تواند مینا و نقطه عزیمت پژوهشگران برای فهم این مسأله باشد. از دیگر اهمیت این پیام، ابتکار در عنوان زن نه شرقی نه غربی است که تا پیش از آن چنین عنوانی برای مدل کنشگری زن از منظر انقلاب اسلامی توسط هیچ‌یک از اندیشمندان آن و رهبران آن ذکر نشده است.

۲-۳. روایت زن شرقی

مفهوم شرقی در این عبارت، متفاوت از شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» بیان شده است؛ در این شعار شرق به لحاظ سیاسی آن اشاره به دولت‌های کمونیستی و سوسیالیستی، اندیشه‌های مارکسیسم و حکومت شوروی داشته است اما در «زن نه شرقی نه غربی»، شرقی بودن به معنای «عالم سنتی» به کار برده شده است؛ لذا تعبیر زن شرقی به‌عنوان مفهوم دیگری از زن سنتی مورد استفاده قرار گرفته است. از مهم‌ترین ویژگی‌های زن شرقی، زن محصور در خانه و خانواده و فردیت‌گرا است که به دلیل نگاه متحجرانه به آن، همواره مورد ظلم‌های تاریخی و دیرینه واقع شده و در حاشیه تاریخ قرار دارد. در این الگو، نقش زن به ایفای وظایف همسری و مادری تقلیل پیدا می‌کند و در ذیل آن سلسله وظایف کاملاً مشخصی از قبیل شوهرداری، خانه‌داری، تربیت فرزندان و ... را بر عهده دارد که نباید از آن‌ها سر باز زند. طبیعتاً در تاریخ و در زمره افراد تأثیرگذار در تاریخ، چنین زنی نه‌تنها در مرکز تحولات قرار ندارد، بلکه اساساً دچار معضل بی‌نقشی است لذا باید آن را در حاشیه تاریخ مورد بررسی قرار داد.

۳-۳. روایت زن غربی

برخلاف زن شرقی، زن غربی کنشگر است اما جنسیت او بر انسانیتش غلبه یافته است. چون زن است در تبلیغات از آن استفاده می‌شود. چون زن است مورد توجه سرمایه‌داران قرار می‌گیرد. چون زن است از زیبایی او استفاده ابزاری می‌شود. در غرب زن کنشگری اجتماعی خود را صرف تبلیغات سرمایه‌داری می‌کند. به همین دلیل پیش از اینکه به اندیشه و روحیه او توجه شود به جنسیتش توجه می‌شود و زمانی که می‌خواهد از غلبه جنسیت بر انسانیت رهایی یابد، خود را در قامت مردان متصور می‌شود و کنشگری‌اش، از جنس شعار انسان مستقلی است که می‌خواهد مردواره در اجتماع حضور پیدا کند. زن غربی که در وجه افراطی‌اش در جنبش‌های فمینیستی ظهور پیدا کرده است، وارد تنازعات اجتماعی می‌شود، اما از منظر نفی جنسیتش؛ او عدالت جنسیتی را بر دست می‌گیرد و در این مسیر جنسیت خود و امور عارض بر آن را از قبیل همسر بودن، مادر بودن، فرزندآوری و ... نفی می‌کند. برخلاف زن شرقی که ظلم به او از حیث در حاشیه راندش بود، ظلم مدرن به زن غربی از حیث نوع کنش‌گر بودنش است؛ زنی که به بردگی جنسی گرفته می‌شود، زنی که جلوه‌گریش در جامعه موضوعیت پیدا کرده می‌کند، زنی که وجه تبلیغی و استفاده تبلیغاتی از آن پررنگ می‌شود، زنی که در فرایندها اشتغال و

نیروی کار مورد استفاده قرار می‌گیرد و در نظام کارگری تبدیل به نیروی ارزان‌قیمت و پرکار می‌شود و در نهایت زن تنهای بیرون از خانواده یا بی‌خانواده است که بحران‌های عمدتاً عاطفی گریبان‌گیر آن‌هاست.

۳-۴. روایت زن نه شرقی نه غربی

از مهم‌ترین محک‌های اندیشه رهبری پیرامون مسئله زن را باید پیام به کنگره «هفت هزار زن شهید کشور» دانست. عبارت «زن نه شرقی نه غربی» در این پیام از ابداعات مقام معظم رهبری در توصیف و روایت زن طراز انقلاب اسلامی است که تا پیش از آن نمی‌توان سراغی از آن در بیانات و اندیشه امام خمینی و سایر اندیشمندان انقلاب اسلامی گرفت. شاکله اصلی روایت زن نه شرقی نه غربی، زنی است که میان خانواده و نقش‌های همسری و مادری با حضور در ولایت و جهاد اجتماعی جمع می‌کند. الگوی سوم زن، زن مسلمان تاریخ‌ساز است که از الگوی شرق و غرب پیروی نمی‌کند. به تعبیر مقام معظم رهبری، این الگوی سوم در جامعه ایران در طول انقلاب اسلامی تحقق پیدا کرده است، لذا زن مجاهد مسلمان ایرانی را «معلم ثانی بشریت» معرفی می‌کنند:

«در انقلاب اسلامی و در دفاع مقدس، زنانی ظهور کردند که می‌توانند تعریف زن و حضور او در ساحت رشد و تهذیب خویش، و در ساحت حفظ خانه سالم و خانواده متعادل، و در ساحت ولایت اجتماعی و جهاد امر به معروف و نهی از منکر، و جهاد اجتماعی را جهانی کنند و بن‌بست‌های بزرگ را در هم بشکنند. اقتدار و جذبه تازه‌ای به برکت خون این زنان مجاهد در عصر جدید ظهور کرده است که زنان را ابتدا در جهان اسلام تحت تأثیر قرار داد و دیر یا زود در سرنوشت و جایگاه زنان جهان دست خواهد برد. تا آفتاب درخشان خدیجه کبری علیها السلام و فاطمه زهرا علیها السلام و زینب کبری علیها السلام می‌درخشد، طرح‌های کهنه و نو «ضد زن» به نتیجه نخواهد رسید و هزاران زن کربلایی ما نه تنها خطوط سیاه ستم‌های ظاهری را در هم شکسته‌اند، بلکه ستم‌های مدرن به زن را نیز رسوا و بی‌آبرو کرده و نشان داده‌اند که حق کرامت الهی زن، بالاترین حقوق زن است که در جهان به اصطلاح مدرن، هرگز شناخته نشده و امروز وقت شناخته شدن آن است ... زن مجاهد مسلمان ایرانی، معلم ثانی برای زنان جهان خواهد بود؛ پس از معلم اول که زنان مجاهد صدر اسلام بودند^۱».

^۱ پیام به کنگره «هفت هزار زن شهید کشور» ۱۳۹۱/۱۲/۱۶.

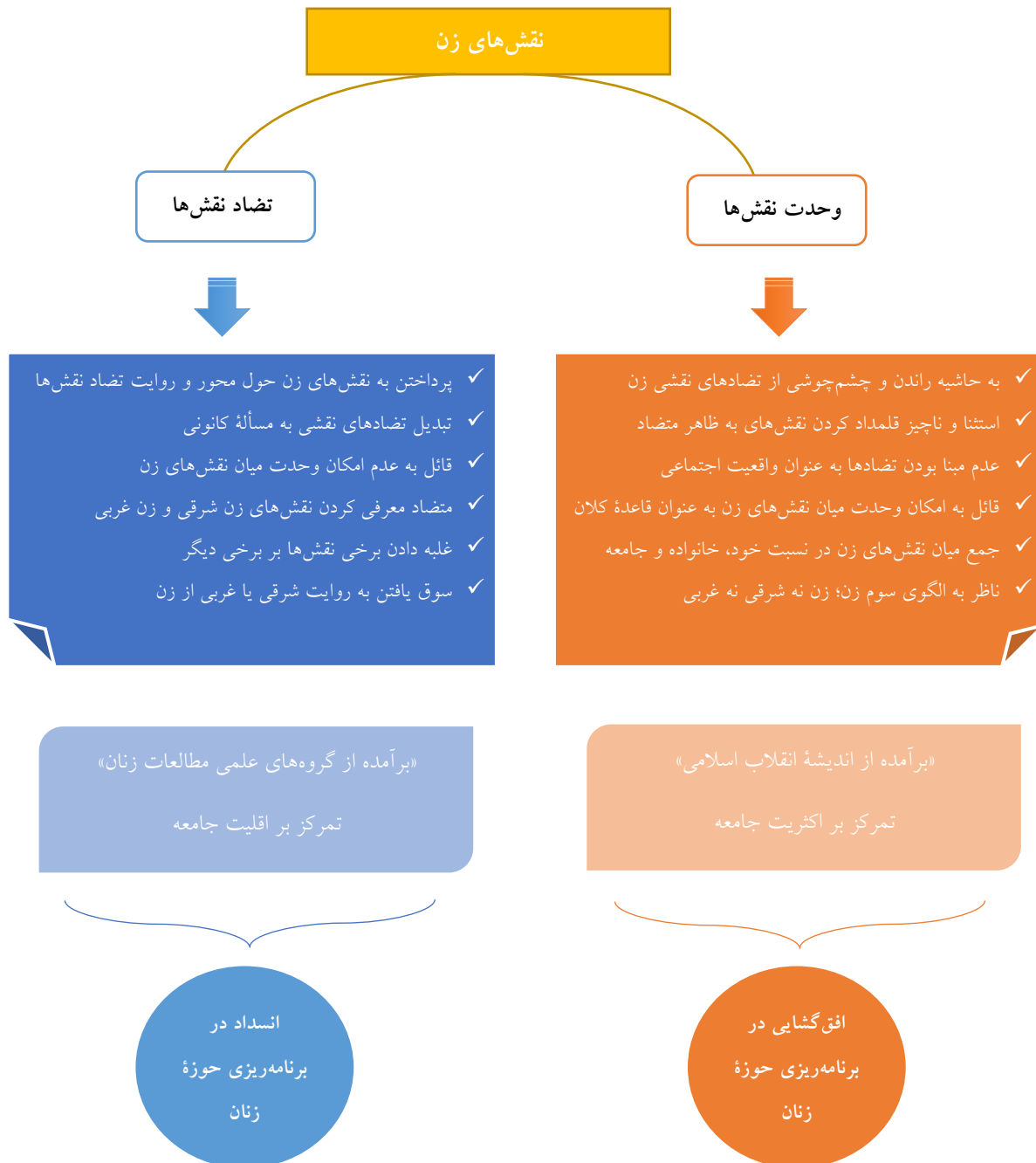
۴. نقش‌های زن؛ شروع از نقطه تضاد یا وحدت

شکل گرفتن جریان‌های فکری و اجتماعی حول محور زن شرقی و زن غربی، حول محور و روایت تضاد شروع می‌شود؛ لذاست که امروزه بسیاری از گروه‌ها و جریان‌های علمی مطالعات زنان در ایران، اساساً بحث و گفت‌وگو را از نقطه تضاد شروع می‌کنند و در این بین تضادهای نقشی مسأله‌کانونی آن‌ها است؛ تضاد میان نقش‌هایی که یک زن می‌تواند یا باید ایفا کند. در این بین جریانات حول مطالعات زنان، یا به سمت روایت زن غربی سوق پیدا می‌کنند و یا به سمت روایت زن شرقی. در صورتی که برخلاف این دو روایت، روایت زن نه شرقی نه غربی از نقطه ایجاد وحدت میان نقش‌های زن شروع می‌شود و تضادها را رفع می‌کند. در روایت زن شرقی و زن غربی، وحدت میان نقش‌های یک زن امری ناممکن است و لذا نقش‌های زن شرقی و غربی را متضاد یکدیگر معرفی می‌کند. اما روایت زن نه شرقی نه غربی با اثبات قاعده وحدت میان نقش‌ها و تضادها را به حاشیه می‌راند و تضادهای به‌ظاهر لاینحل را یا ناظر به طبیعت حرکت تربیتی زن تفسیر می‌کند و یا آن‌ها را استثنائات برهه خاص عنوان می‌کند که قاعده کلان و عام جامعه نیست.

به‌عنوان مثال، اگر نقش مادری را در مقابل نقش کارمندی زن به‌گونه‌ای فرض کنیم که اساساً امکان جمع کردن میان این دو نقش امکان‌پذیر نباشد، باید این دید این تضاد شامل چند درصد از جامعه می‌شود. امروزه متوسط سن ازدواج زنان میانگین ۲۵ سال است و متوسط سن فرزندآوری و تجربه مادری سن ۲۹ سال است؛ به‌عبارت‌دیگر اساساً تا پیش از این سن چنین تضادی در جامعه و نقش‌هایی که به‌صورت طبیعی یک زن می‌تواند ایفا کند، وجود ندارد یا بسیار ناچیز است و پس از آن هم درصد کمی از جمعیت زنان که ۱۲-۱۴ درصد را شامل می‌شود، به نقش کارمندی مشغولیت دارند. بر این اساس، حتی اگر تضاد نقش‌ها را بتوان پذیرفت، این تضاد میان نقش‌های مادری، خانه‌داری، کارمندی و ... نمی‌تواند مبنای یک قاعده کلی در واقعیت اجتماعی قرار گیرد. حال اگر مسأله به کنشگری دختران نوجوان محدود شود، از بین جمعیت ۱۷ میلیونی دختران نوجوان، نهایتاً ۲ میلیون نفر از آن‌ها با چنین تضادی در نقش‌ها مواجه باشند. نمی‌توان در برنامه‌ریزی از جمعیت ۱۵ میلیون نفر چشم‌پوشی کرد و برنامه‌ریزی را متمرکز بر مسائل ۲ میلیون نفر طراحی کرد. از بحران‌های برنامه‌ریزی امروز در حوزه زنان، شروع از نقطه تضاد نقشی است. قفل شدن ذهن بر روی ۲ میلیون نفر، سبب می‌شود تمام ظرفیت‌های ۱۵ میلیون نفر دیگر نادیده گرفته و در نهایت به دلیل غلبه یک نقش بر نقش دیگر به انسداد در برنامه‌ریزی برای پذیرش حضور زنان در جریان‌های اجتماعی ختم شود.

روایت زن نه شرقی نه غربی، برخلاف آنچه امروزه در میان نظریه‌پردازان و برنامه‌ریزان این حوزه غلبه پیدا کرده است، به دنبال ارائه روایتی است از زن مبتنی بر ایجاد وحدت میان نقش‌های او و ایجاد غیریت با دو روایت دیگری که از نقطه تضاد به نقش‌آفرینی زن می‌نگرند.

شکل شماره ۳- رویکردهای تضاد و وحدت در بررسی نقش‌های زن



۵. کلان‌روایت‌های حضور زن در ولایت اجتماعی

معطوف به این ادبیات و تمرکز به نقطه وحدت و روایت زن نه شرقی نه غربی که حضور زن در ساحت ولایت اجتماعی، دو کلان‌روایت وجود دارد. این دو کلان‌روایت، پس از کنار گذاشتن چالش‌های زن شرقی و زن غربی است و نزاعی است از پس نزاع دیگر؛ نزاع دو روایت از زن نه شرقی نه غربی؛ دو روایت از ادبیات انقلاب اسلامی در این حوزه. این دو روایت از حضور اجتماعی زن عبارتند از: الف) روایت زنان پیرو؛ ب) روایت زنان پیشرو.

۵-۱. روایت زنان پیرو

از مؤلفه‌های اصلی روایت زنان پیشرو، تمرکز بر نقش «پشتیبانی زنان» است. در این روایت باتکیه بر روایتی خاص از کنشگری زنان در دفاع مقدس، نقش زنان به امر پشتیبانی از کسانی که در حال جنگیدن هستند، تقلیل پیدا می‌کند. مبارزان اصلی این جنگ، مردان هستند و زنان باید با روحیه دادن به پدران، همسران، پسران و برادران خود آن‌ها را به میدان بفرستند و با صبوری کردن چالش‌های پیش‌روی آن‌ها را کم‌تر کنند. زن پیرو، زنی حامی است، زنی که در مسیر مبارزه مردش سنگ نمی‌اندازد، او را با چالش‌های فکری زندگی مواجه نمی‌کند. زنی که اهل غرزدن نیست، زنی که پشت جبهه‌های جنگ در حال تلاش و پشتکار است تا زمینه مبارزه مردان فراهم شود. تشبیه و استعاره مهمی که در این روایت نهفته است، استعاره دفاع مقدس است؛ زمانی که درباره زنان انقلابی که در میدان فعال هستند صحبت می‌شود، از زنانی یاد می‌شود که در پشت جبهه فعالیت می‌کردند؛ زنانی که بسته‌های غذایی درست می‌کردند، از زخمی‌ها پرستاری می‌کردند، لباس‌ها و ملافه‌های رزمندگان را شست‌وشو می‌کردند، برای آن‌ها البسه فراهم می‌کردند و ...

۵-۲. روایت زنان پیشرو

یک تعبیر از زنان پیشرو، زنانی هستند که دوشادوش مردان در میدان‌ها و عرصه‌های مختلف برای پیشرفت کشور حرکت و تلاش می‌کنند. مقام معظم رهبری در این تعبیر برای پیشرفت کشور زنان و مردان را موظف دانسته و بیان می‌دارند:

«ما باید برای حرکت و تلاش در راه خدا، خود را آماده نگهداریم. در این جهت، زن و مرد هم فرقی

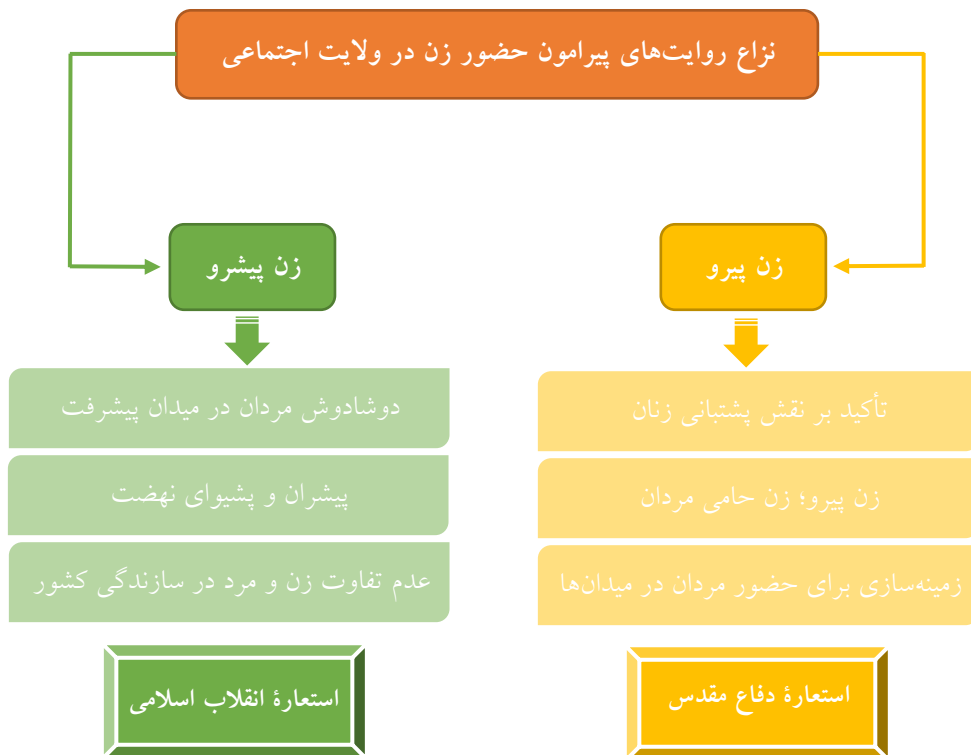
نمی‌کند؛ مردان هم موظفند، زنان هم موظفند؛ مردان هم باید علم و دانش را تحصیل کنند، زنان هم باید علم

و دانش را تحصیل کنند؛ مردان هم باید تا آنجا که می‌توانند و در هر نقطه‌ای که می‌توانند، در راه سازندگی کشور تلاش کنند، زنان هم باید در راه سازندگی کشور - و بخصوص سازندگی نسل نو و تربیت اسلامی او - تا آنجا که می‌توانند، تلاش کنند. اگر این قشر عظیم از ملت ایران - یعنی زنان - دوشادوش مردان، با حفظ حدود اسلامی، علم و فن و کارهای شایسته یک مسلمان را فرا بگیرند و عمل بکنند، یقیناً موفقیت بیشتر خواهد بود. امروز بحمدالله زنان ما در میدان‌های گوناگونی پیشرفت داشته‌اند^۱.

اما تعبیر دیگر از زنان پیشرو، زنانی هستند که به تعبیر امام خمینی علیه السلام نه تنها دوشادوش مردان، بلکه پیشران و جلوتر از آن‌ها و در مقام رهبری و پیشوای نهضت پیش می‌روند:

«شما خواهان در این نهضت نقش بسزایی داشتید؛ و در همه‌جا کمک کردید و پیشوا بودید نسبت به مردها؛ و موجب قدرت شدید نسبت به آن‌ها^۲. نقش زن‌ها در جامعه، در چند نهضت که در ایران واقع شد؛ نهضت تنباکو، نهضت مشروطه، قضیه پانزدهم خرداد، نقش زن‌ها بالاتر از مردها اگر نبود، کم‌تر نبود^۳».

شکل شماره ۴- کلان روایت‌های حضور زن در ولایت اجتماعی



^۱ بیانات در دیدار مردم استان بوشهر ۱۳۷۰/۱۰/۱۱.

^۲ صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۲۶۷.

^۳ صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۰۳.

۳-۵. استعاره انقلاب اسلامی در برابر استعاره جنگ

امروز غالب کسانی که در جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی به برنامه‌ریزی فرهنگی مشغولیت دارند، کنشگری زنان را به ایام جنگ تشبیه می‌کنند، در صورتی که امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری برای کنشگری زنان، از استعاره ایام نهضت و شروع انقلاب اسلامی بهره می‌گیرند. نه آنکه روایت جنگ، روایت تحقیرآمیزی باشد که اتفاقاً بسیار افتخارآمیزی است اما استعاره صحیحی برای وضع کنونی جامعه ما نیست؛ چنان‌که امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری در مسأله کنشگری زنان، به نقش زنان در انقلاب اسلامی و حرکت تاریخی انقلاب اشاره کرده و از این استعاره استفاده کرده‌اند؛ چراکه این استعاره روایت به‌مراتب قدرتمندتری را از نقش زنان در حضور اجتماعی ارائه می‌دهد^۱. استندهای امام و رهبری در این روایت، صرفاً ناظر به ایام انقلاب اسلامی نیست؛ در بیانات امام خمینی علیه السلام از نهضت‌های پیش از ایام انقلاب همچون نهضت خرداد سال ۱۳۴۲، نهضت مشروطه و نهضت تنباکو نیز برای آنکه بیانشان ذوقی برداشت نشود، یاد می‌کنند. در این روایت، زنان عزم می‌کنند، به میدان آمده و یک جریان و جنبش اجتماعی را خلق می‌کنند و تغییرات و تحولات بزرگ تاریخی را رقم می‌زنند.

۳-۵-۱. نقش زنان در نهضت تنباکو

روایت از نهضت تنباکو، عمدتاً به یک جنبش سراسری مردم ایران به واگذاری انحصار بازرگانی توتون و تنباکو به یک شرکت انگلیسی تقلیل پیدا می‌کند. این قیام به رهبری علمای دینی بود. این قرارداد توسط ناصرالدین شاه قاجار امضا شده بود. سرانجام این امتیاز در پی فتوای تاریخی میرزای شیرازی در اول جمادی‌الاول ۱۳۰۹ ق فسخ شد. اما برای تبیین نقش زنان در این نهضت، ابتدا باید فهم درستی از ابعاد بین‌المللی زمینه‌های آن داشت.

نهضت تنباکو، در تقابل با جریان حرکت جهانی استعمار انگلیس و علیه آن بوده است؛ زمینه‌های شکل گرفتن این نهضت در ایران را نه صرفاً واگذاری امتیاز توتون و تنباکو به یک شرکت انگلیسی بوده است بلکه ماجرا در ابعاد بسیار وسیع‌تری در حال رقم خوردن بود که در طی آن، ایران در نقشه استعماری انگلیس قرار می‌گرفت. پیش از شکل‌گیری این نهضت در ایران، اتفاقات مهمی در جهان به‌خصوص در اروپا در دوران انقلاب صنعتی رقم می‌خورد. در انقلاب صنعتی اروپا، کشورهای غربی بسیار نیازمند مواد مخدردی همچون توتون و

^۱ از مهم‌ترین ابزارهای لازم برای تبیین روایت‌ها، بهره‌گیری از استعاره‌ها و استفاده از استندهای تاریخی است. استناد امام خمینی علیه السلام به چهار نهضت در ۱۰۰ سال اخیر، گواه این مطلب است که ایشان اصرار به پیشوا بودن زنان در این نهضت‌ها داشته و آن را به عنوان مدل مطلوب کنشگری زنان روایت می‌کند.

تنباکو و تریاک بودند تا از این طریق، نیروهای انسانی و کارگران کارخانه‌ها و معادن، با مصرف این مواد بتوانند در روز ۱۶ ساعت کار کنند؛ براین اساس، در روند انقلاب صنعتی اروپا، یک جریان بزرگ جمعیت به‌عنوان مصرف‌کننده و در خدمت صنعت قرار گرفت؛ به‌نحوی که شربت تریاک پرمصرف‌ترین مواد غذایی در قرن ۱۹ و در اروپا بوده است. از آنجا زنان و مردان باید کار می‌کردند و از طرفی فرزندآوری برای به خدمت در آوردن نیروی کار امر مهمی به‌حساب می‌آمده، فرزندان خود را به مهدکودک می‌بردند و در آنجا به فرزندان شربت تریاک می‌دادند تا نگره‌داری آن‌ها به‌صرفه باشد. اروپایی‌ها و به‌خصوص کشورهای استعمارگری همچون انگلستان و فرانسه به این نتیجه رسیدند که از این مواد مخدر و توزیع آن در جهان می‌توانند سود زیادی به دست بیاورند. این میان، طبق مدل استعمار که مراکز دنیا را در جهت نیازهای خود تقسیم‌بندی می‌کرد، کمپانی هند شرقی اصلی‌ترین تولیدکننده تریاک زیر نظر انگلستان به شمار می‌آمد که مسئول تأمین مواد مخدر در اروپا و چین می‌بود. در این فرایند، نزاع‌های چین با انگلستان که در نهایت به ممنوعیت خرید و فروش و استعمال تریاک در چین منجر می‌شود، سبب وقوع جنگ‌های تریاک می‌شود که در فرایند آن، هنگ‌کنگ به تصرف انگلستان درآمده و چین نیز تبدیل به مصرف‌کننده بزرگ تریاک می‌شود. ۶۰ سال بعد نهضت تنباکو را باید به‌عنوان نخستین و گسترده‌ترین جنبش مردمی علیه استبداد انگلستان در این زمینه دانست که طی آن از تبدیل شدن ایران به تولیدکننده مواد مخدر (توتون و تنباکو و پس از آن تریاک) در جهت منافع انگلستان جلوگیری کرد.

بیست و چهارم اردیبهشت‌ماه سال‌روز لغو قرارداد توتون و تنباکو است. جنبشی که موجب لغو این قرارداد شد، نمونه‌ای از حرکت‌های اجتماعی و سیاسی است که زنان در آن نقش بسیار مهمی داشتند. پس از اوج گرفتن مخالفت و درگیری، قشرها مختلف مردم به علمای دینی در شهرهای مختلف رجوع کرده و کسب تکلیف نمودند؛ به‌طورمثال در اصفهان به حاج آقا نورالله^۱ و آقاجفی اصفهانی، در شیراز به سید علی اکبر فال اسیری، در تهران به شیخ فضل‌الله نوری و میرزا حسن آشتیانی و در تبریز به میرزا جواد مجتهد تبریزی متوسل شدند. این نهضت، نخستین تجربه حضور اعتراضی زنان پیش از انقلاب مشروطه است. این نهضت، نخستین حرکت مردمی علیه سیاست‌های شاه و درباریان بود. در جریان این اعتراض‌ها شاه به‌ناچار امتیاز تالبوت را لغو کرد. این نخستین بار بود که زنان به‌عنوان بخشی از جامعه در قیام عمومی حضوری فعال داشتند. مشکل‌های اقتصادی و افزایش آگاهی زنان از اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه، در مشارکت فعال زنان در این قیام مؤثر بوده است. حضور و گاه

^۱ پیش از صدور فتوای تحریم توسط شیخ فضل‌الله، حاج آقا نورالله اصفهانی به مبارزه روی آورده بود اما در تاریخ معاصر که عمدتاً توسط روشنفکران نوشته شده است، چنین شخصیت‌هایی حذف شده‌اند.

پیش‌گامی زنان در جنبش تنباکو، حمایت از روحانیان، پیروی از فتوای مراجع تقلید و مبارزه‌های مسلحانه برای لغو امتیاز تالبوت، در پیروزی جنبش تنباکو نقشی بسیار مهمی داشته است. در تهران زنان پیشاپیش مردان دست به اعتراض زدند. پس از این خبر، هزاران نفر به خانه‌ی میرزای آشتیانی رفتند. در این حرکت نیز زنان پیشاپیش مردان حرکت می‌کردند. پس از آن معترضان به‌سوی قصر سلطنتی هجوم بردند. زنان درحالی‌که بر سرهایشان گل مالیده بودند فریاد اعتراض سر می‌دادند. جمعیت برای رسیدن به قصر باید از بازار عبور می‌کرد. زنان وقتی به «سبزه‌میدان» رسیدند، به بازار سرازیر شدند. هر دکانی را که باز بود، بستند. جمعیت مرد و زن با گریه و زاری خود را به ارگ سلطنتی رساندند. زنان نزدیک شاه نیز مانند عموم زنان، در تحریم تنباکو شرکت کردند. حکم آیت‌الله میرزای شیرازی اندرونی قصر ناصرالدین‌شاه را نیز تحت‌تأثیر قرار داد. اعتراض‌ها تا جایی پیش رفت که قلیان‌ها را شکستند و انیس‌الدوله از تهیه قلیان برای شاه سرباز زد. مشارکت زنان در اعتراض به امتیاز تنباکو، تنها مختص زنان تهرانی نبود. زنان شهرهای دیگر نیز مخالفتشان را از این امتیاز اعلام کردند. زنان تبریزی به رهبری زنی به نام «زینب پاشا» در اعتراض به قرارداد تالبوت با مردان همراهی کردند. بازار تعطیل شد. در حدود بیست هزار نفر مسلح به شاه تلگراف کردند که این امتیاز را نمی‌پذیرند. مأموران دولتی پس از چند روز با فشار و ترس، مردم را به گشودن مغازه‌ها مجبور می‌کردند اما ساعتی از بازگشایی بازار نمی‌گذشت که بار دیگر دسته‌ای از زنان به‌زور اسلحه بازار را می‌بستند و به‌سرعت صحنه را ترک می‌کردند. در شیراز نیز زنان در کنار مردان به اعتراض علیه این امتیاز پرداختند. حکمران شیراز، سید علی‌اکبر فال‌اسیری را که خطابه‌های تحریم‌آمیزی در مورد امتیاز گفته بود، دستگیر و تبعید کرد. به دنبال این قضیه، زنان و مردان در اعتراض به او در شاه‌چراغ جمع شدند و تعدادی نیز بازار را بستند.

۵-۳-۲. نقش زنان در نهضت مشروطه

در شرایطی جامعه ایران وارد دوران مشروطه شد که زنان ایران در عرصه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی حضوری می‌شود گفت دیرپا و درعین‌حال مؤثر را تجربه کرده بودند و همان‌طور که در نهضت تنباکو ذکر شد شاهد حضور اجتماعی و سیاسی بسیار مؤثر زنان در جریان مقابله و قیام مردم کشور با واگذاری امتیازات اقتصادی و مالی حکومت به اتباع انگلستان (به‌طور مشخص در جریان واگذاری امتیاز رویتر و امتیاز رژی تنباکو) هستیم که می‌دانیم دامنه این حضور می‌شود گفت تعیین‌کننده تا درون دربار و حرم‌سرای ناصرالدین‌شاه هم تسری پیدا کرد؛ اگرچه اندیشه مشروطه‌خواهی و چیزی که نهایتاً در تأسیس مجلس شورای ملی و دولت (هیأت وزیران)

در چارچوب قانون اساسی صورت عملی به خود گرفته و خود را نشان داد، عمدتاً از مدنیت جدید غرب ناشی می‌شد؛ اما اگر اسناد و منابع متقن و موثق آن روزگار را مورد بررسی و ارزیابی تاریخی قرار بدهیم متوجه خواهیم شد که انقلاب مشروطه در درجه اول با حضور علما و روحانیون شیعه و نقش تعیین‌کننده آنان در بسیج اجتماعی و سیاسی مردم ایران (از اقشار گوناگون) راه به پیروزی گشود و اگر نبود قدرت بسیج‌گری روحانیون و علمای مشروطه‌خواه شیعه که می‌دانیم لااقل از تجربه‌ای ۵۰-۶۰ ساله بهره می‌برد، انقلاب مشروطه با کیفیتی که شکل گرفته و به پیروزی رسید اتفاق نمی‌افتاد؛ براین اساس، تنها زنان و مردان نوگرا و متأثر از فرهنگ و اندیشه‌های سیاسی غرب نبودند که در روند تکوین و شکل‌گیری انقلاب مشروطه مشارکت کردند، بلکه اکثریت بزرگی از زنانی که در روند بسیج انقلابی حضور پیدا کردند مشروطه‌خواهی را اساساً برنامه‌ای اصلاحی در درون سنت ایرانی - اسلامی (و در درجه اول شیعی) می‌دانستند؛ تا جایی که منابع به‌صراحت ذکر کرده‌اند که بخش زیادی از مردم کشور پیروزی مشروطه را در درجه اول به‌مثابه پیروزی اسلام و مذهب تشیع ارزیابی می‌کردند. حاصل این‌که حضور اجتماعی و سیاسی زنان در تحولات دوران مشروطه ترکیبی از حضور گسترده‌تر زنان سنت‌گرا (باورمندان به سنت اسلامی - ایرانی که در طول زمان شکل گرفته و ادامه یافته بود) همراه با گروه‌ها و جماعت‌های دیگری از زنان بود که به انحاء گوناگون متأثر از تحولات و رخدادهای سیاسی و اجتماعی دنیای مدرن خواستار ایجاد تحول در شئون گوناگون زندگی جامعه ایرانی و به‌ویژه کسب موقعیت مطلوب‌تر اجتماعی، آموزشی - تربیتی و نظایر آن برای زنان بودند.

تقریباً در جریان تمام رخدادها و تحولات سیاسی و اجتماعی دوران منتج به پیروزی انقلاب مشروطه خیل عظیمی از زنان (گاه حتی مؤثرتر و تعیین‌کننده‌تر از مردان) در تظاهرات و نشست‌های اعتراضی و انتقادی حضور پیدا می‌کردند و با جسارت و دلیری به‌مراتب بیشتری از مردان شعارها و خواسته‌های مردم کشور را از نظام حاکم مطالبه می‌کردند. تا جایی که منابع موجود نشان می‌دهد تا آستانه پیروزی انقلاب خواست‌ها و علایق سیاسی و اجتماعی زنان در راستای همین اهداف مشترک با مردان دنبال و پیگیری می‌شد که حتی زنان نوگرا هم در مجموع بر این باور بودند که با پیروزی و استقرار نظام مشروطه خواست‌های ویژه زنان در شئون گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به‌تدریج محقق خواهد شد. در واقع هم اگر از برخی استثنائات بگذریم، رهبران انقلاب مشروطه ایران در میان علما و سایر مشروطه‌خواهان نوگراتر نسبت به حقوق و خواست‌های زنان نگرشی تقابلی و منفی نداشتند. حضور اجتماعی و سیاسی زنانی که علایق خود را در درجه اول در چارچوب سنت اسلامی (شیعی) - ایرانی دنبال می‌کردند و عمدتاً با جناح اسلام‌گراتر رهبری انقلاب همگامی و همراهی نشان

می‌دادند، به مراتب بیش از دیگر زنانی بود که علایق سیاسی و اجتماعی آنها از ارزش‌های دینی عبور کرده و به‌طور خاص خواست‌های خود را در درون پارادایم تجدد و نوگرایی دنبال می‌کردند؛ دیگر این‌که، هر دو دیدگاه فوق در میان رهبران و سازمان‌دهندگان انقلاب حامیان و پشتیبانانی مؤثر داشتند؛ و اگرچه زنان جریان نوگرا دارای قدرت و امکانات رسانه‌ای و تبلیغاتی تأثیرگذارتری بودند، باین‌حال همه این‌ها به معنای کم‌ارج بودن جایگاه زنان دارای دیدگاه سنتی‌تر در روند پیروزی انقلاب و مهم‌تر از آن دفاع و صیانت از دستاوردها و موقعیت نظام مشروطه در ساله‌ای بعد از پیروزی انقلاب مشروطه نبود. در طول دوران شکل‌گیری اولین ناآرامی‌های سیاسی در سال ۱۳۲۳ ق تا هنگام صدور فرمان مشروطه و اعلام پیروزی انقلاب مشروطه (جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ / مرداد ۱۲۸۵)، در اکثریت قریب به تمام رخداد‌های مهم آن روزگار زنان پایه‌پای مردان (و چه بسا گاه مؤثرتر) در فرایند پیروزی انقلاب نقش‌های مهمی ایفا کردند و علاوه بر پشتیبانی از مردان حضور میدانی و مستقیم‌تر زنان در تظاهرات و نشست‌های سیاسی و نیز چاپ و پخش پیام‌ها و اعلامیه‌های انقلابی قابل توجه بوده است. به‌ویژه این‌که به دلایل عدیده فرهنگی - دینی نیروهای حکومتی را چندان یارای مقابله بی‌ملاحظه با زنان نبود. زنان ناشناس پرشماری با تغییر قیافه و پوشیدن لباس رزم مردانه در کنار مشروطه‌خواهان با مخالفان مشروطه نبرد می‌کردند. این رقم تا آن حد پرشمار بود که بعدها آشکار شد فقط حدود ۲۰ تن از زنان مبارز در جریان نبرد علیه نیروهای محمدعلی شاه و متجاوزان روسی در میدان نبرد به شهادت رسیده‌اند!

۳-۳-۵. نقش زنان در نهضت پانزده خرداد

قیام ۱۵ خرداد^۱ (۱۳۴۲ ش)، تجمع و راهپیمایی مردم برخی از شهرهای ایران در اعتراض به دستگیری امام خمینی. تظاهرات در قم، تهران و ورامین به خشونت کشیده شد و تعدادی از مردم کشته و مجروح شدند. دستگیری امام خمینی به‌خاطر سخنرانی او در مدرسه فیضیه علیه محمدرضا پهلوی شاه وقت ایران بود. در این سخنرانی حکومت وقت به حکومت یزید تشبیه شده بود. امام خمینی، به دلیل کشته شدن جمعی از مردم، این روز را برای همیشه عزای عمومی اعلام کرد از این‌رو ۱۵ خرداد در تقویم جمهوری اسلامی ایران تعطیل رسمی است. این نهضت، سومین نهضت در تاریخ معاصر است که زنان در آن نقش تعیین‌کننده داشتند.

^۱ تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در دولت وقت که روحانیون بعضی از فقرات آن را مخالف با اسلام می‌دانستند، انقلاب سفید و حمله مأموران حکومتی به مدرسه فیضیه در فروردین ۱۳۴۲ حوادثی بودند که زمینه ساز حوادث ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ شد.

۵-۳-۱. زنان قم

شهر قم، نقطه آغازین نهضت امام خمینی بود. پس از انتشار خبر دستگیری امام علیه السلام، مردم قم به پا خاستند و در مقابل منزل ایشان گرد آمدند؛ سپس آنجا را ترک کردند و به صحن حرم حضرت معصومه (ع) وارد شدند. صدها زن چادری که کودکان خود را همراه آورده، به پشت خود بسته بودند، در میان جمعیت حضور داشتند و با گریه و زاری هیجان و احساسات زیادی از خودشان نشان می دادند. «زنان مانند کسی که فرزندش مرده باشد، گریه می کردند»^۱. در مسیر منزل امام تا صحن مطهر، تظاهرات کنندگان علیه رژیم شعار می دادند که در این میان زنان نقش عمده ای داشتند. زنان، هر یک خنجری در کف گرفته و به آهنگ شعار مردان خنجرها را بالا می بردند و منظره باشکوه به وجود آوردند. پس از اینکه تظاهرات کنندگان، وارد صحن شدند و در آنجا تحصن کردند، گروهی از زنان پایین شهر درحالی که عکس امام را در دست داشتند، وارد صحن شدند. پس از مدتی اقامت در صحن، درحالی که زنان پیشاپیش حرکت می کردند مأموران به مقابله آنان آمدند و ابتدا به زنان که در صف اول بودند، حمله کردند که در نتیجه آن، تعدادی از زنان شهید و مجروح شدند^۲.

۵-۳-۲. زنان خمین

در خمین - زادگاه امام - زنان نقش زیادی در تظاهرات داشتند. پس از اینکه خبر دستگیری امام به شهر خمین رسید، مردم به هیجان آمدند و در خیابان های اصلی شهر جمع شدند و دست به تظاهرات زدند. نقش زنان در این تظاهرات چشمگیر بود و می توان گفت که بیش از مردان بود. آنها شعار می دادند، ناله و شیون می کردند و به نشانه عزاداری در ماتم دستگیری امام، خاک و گاه مخلوط کرده، بر چادرهایشان می ریختند و بر سر مردم می پاشیدند و با ناله شعار می دادند: «یا مرگ یا خمینی».

^۱ توصیفات حجت الاسلام ناظم زاده که ناظر این صحنه ها بوده است.

^۲ در میان زنان قم، ساکنان محله چهار مردان نقش عمده تری در این تظاهرات ها داشتند و در واقع آنان، پیشرو زنان قم برای شرکت در انقلاب بودند. حضرت امام درباره پیشرو بودن زنان محله چهارمردان، در تاریخ پنجم اردیبهشت سال ۱۳۵۸، می فرمایند: «نام بزرگ ملت ایران در عالم به رشد سیاسی ثبت شد؛ نام بزرگ قم در بین ملت ایران به رشد سیاسی و فعالیت و جانفشانی در تاریخ ثبت شد، نام بزرگ چهارمردان در فداکاری و جان نثاری در تاریخ عالم ثبت شد؛ نام بزرگ بانوان ایران ثبت شد؛ نام بزرگ بانوان قم ثبت شد؛ نام بزرگ بانوان چهارمردان ثبت شد؛ بانوان چهارمردان پیشرو این نهضت اسلامی بودند، رشد سیاسی خودشان را اثبات کردند، نهضت را راهنمایی کردند، شما رهبران نهضت هستید، بانوان رهبر نهضت ما هستید، ما دنباله آنها هستیم، من شما را به رهبری قبول دارم و خدمتگزار شمایم.»

۵-۳-۳-۳. زنان شیراز

در شیراز نیز خبر دستگیری امام باعث اعتراض مردم شد. شب پنجشنبه ۱۶ خرداد، علمای شیراز از جمله آیت‌الله دستغیب و مصباحی از قول شیخ بهاء‌الدین محلاتی روی منبرها اعلام کردند که بر عموم مردم واجب است که برای ابراز مخالفت با دستگیری امام روز پنجشنبه بازار و مغازه‌ها را تعطیل کنند. مردم شیراز که تعداد زیادی از زنان در میان آنان حضور داشتند، به پیروی از دستورات علما و بی‌خبر از وقایع شب گذشته، در مسجد جامع عتیق جمع شدند و پس از مدتی تحصن و شعار دادن از آنجا به سوی مسجد نو راه افتادند. وقتی تظاهرات‌کنندگان که زنان پیشاپیش آنان بودند، به مسجد نو رسیدند، در آنجا تحصن کردند و علیه رژیم شعار دادند.

شکل شماره ۵- نقش زنان در نهضت‌های معاصر ایران

